

## تجلیل از مقام زن در سایه گلدسته های "شعراى افغانستان"

امروز هشتم ماه مارچ روز جهانی زن است و هر کشور به نوعی از این موجود مبارک و الاحه عشق و زیبایی و نمونه احساس و محبت تجلیل بعمل می آورد.

امسال سخن را از شمع فروزان و محبوب ما دختر دانای افغانستان "مستوره افغان" (۱۹۰۸-۱۹۷۵) آغاز میکنم. از زنیکه احساس و عشق اش را برای خاک و میهن عزیزش با گل مهره های شعر روی صفحه کاغذ ریخته و بیان نموده است. از موجودیکه فریاد زنان معصوم و محروم افغان را به سمع مردم میرساند.

بلی از مستوره "افغان" زن آزادمنش و آزادی خواه افغان شروع میکنم که در ادبیات و شعر دری مقام بلند داشت و اکثر اشعارش حماسی و در باره وطن و زنان اسیر و ستم دیده کشور ما سروده شده. سیه پوشی و ذلت زن افغان را چنین بیان می کند :

از بلای چادری هر یک سیه پوشیم ما  
مردمان در آسمان علم و فن بر خاستند  
این همه ذلت برای جمع نسوان تا بکی؟  
لیک ما در پرتگاه جهل غلتان تا بکی؟  
مردمان در آسمان علم و فن بر خاستند  
در اروپا حق رای و کار بر زن داده اند  
زحمت ما را روا دارند مردان تا بکی؟  
لیک اینجا جنس زن بیقدر یاران تا بکی؟  
غریبان آرند قدر و احترام زن بجا  
تا بهم گویند، قید زن به زندان تا بکی؟  
کاش گردد باز، چشم بینش مردان ما  
تا بکی سلب است حق زن درین شهر و دیار  
ما زنان "مستوره" صاحب درد و نالان تا بکی؟

و زندگی زن را در قفس اسارت چه زیبا ادا کرده است :

تا چند زن قید و خون جگر باشد؟  
زندگی در قفس بلای تن است  
مئل مرغ شکسته پر باشد؟  
این مصیبت چرا برای زن است؟  
وای از ما زنان در زنجیر  
همه محبوس گوشه اتاق  
چادری بر سریم و جنس اسیر  
شوهر مستبد زند شلاق  
نی گلی بیند و نی آب روان  
زن نبیند صفای گلشن را  
حال زن ها ازین بدتر باشد  
کاش این چادری کنار رود  
این خریطه ز روی کار رود

دعا میکنم این عشق و این احساس که از دل این زن نامدار وطن برخاسته به دل زنان و مردان افغان بنشیند تا آنها به نسل های آینده انتقالش دهند و نگذارند علاقه فرزندان شان به آشیان و زادگاه شان خدشه دار شود.

استاد خلیل الله خلیلی افغان گفته است: "مستوره افغان شمع در تاق تاریخ شعر و ادب دری افغانستان سزاوار تکریم و احترام میباشد. احساسات، دردها و آرزو های وی در راه آزادی و سرفرازی دختران سنائی و جامی از خلال کلمات موزونش پدیدار است."

در انجام به روان پاک دختران و زنان نامور افغان شعراى متقدم کشور ما "مخفی بدخشی"، "سمنبوی بادغیسی"، "مستوره غوری" (۱۹۳۲ - ۱۹۶۶)، "آمنه فدوی" (۱۸۹۷ - ۱۹۲۵)، "عایشه درانی" (قرن ۱۲)، "رابعه اثیر" و ... و ... درود می فرستم و یاد دختران افتخار آفرین افغان شعراى معاصر کشور "بهار سعید" (۱۹۵۳)، "هما محتسب زاده (آذر)"، "رفیقه حبیب" (۱۹۱۸-)، "شفیقه دیباج"، "فائقه جواد (ژمی)" (۱۹۷۵)، "مریم عاکفی" (۱۹۸۱)، "هما میرافشار"، "شاه بی بی ناله" (۱۹۴۷)، "کبیرا نورزانی" (۱۹۳۲)، "نفیسه خوش نصیب"، "ضیا گل سلطانی" (۱۹۵۷)، "نفیسه ازهر"، "لیلا صراحت روشنی" (۱۹۵۸ - ۲۰۰۵)، "خورشید عطائی" (۱۹۴۷)، "فاطمه صاعقه"، "ناهید بشر دوست" (۱۹۶۵) را گرامی میدارم.

در اینجا یک یا دو بیت از شعراى که نام برده شده به شما تقدیم میدارم.

- مخفی بدخشی :

خط آمد بر رخت ای سیمین تن آهسته آهسته  
بصد افسون چو طفلی را که بفریبند با شکر  
برون شد سبزه ات گرد چمن آهسته آهسته  
دلیم را برد آن شیرین سخن آهسته آهسته  
خوشا فصل بهار و قندهار و دوستان باهم  
نبودت گر سر آزدن "مخفی" چرا گفتی  
که می گشتیم در گرد چمن آهسته آهسته  
سخن با مدعی در انجمن آهسته آهسته

- سمنبوی بادغیسی (۱۹۲۹-۱۹۷۹):

بیسوادم در حیات خویش خوار افتاده ام  
صبر و آرام و قرارم رفتدر هجر نگار  
مثل مجنون به دشت و کهسار افتاده ام  
همچو آب چشمه ام در رهگذار افتاده ام

در جهان گل دیده ام اما گل بی خار نه      من همان خارم که از گل برکنار افتاده ام

- مستوره غوری :

ترک شوخم غم هجران نکشیدست هنوز      آه عشاق به گوشش نرسید ست هنوز  
جوش خط جلوه دهد حسن دوبالایش را      سبزه بر گلشن رویت ندمیدست هنوز  
کاش زاهد به سر کوی تو آید ببند      باغ خلدیکه شنیدست و ندیدست هنوز  
دل شیدای تمنای وصالش "مخفی"      این خیالیست که در خواب ندیدست هنوز

- آمنه فدوی :

تا نظر در چمن وضع جهان وا کردم      ستمی بود که بر دیده بینا کردم  
نه چمن رنگ وفا داشت نه گل بوی لقا      حیرت آلوده به هر سو که تماشا کردم  
گر به محشر زمن از حاصل دنیا پرسند      گویم افسوس همه خواهش بیجا کردم  
"فدوی" بار خجالت بکشی روز جزا      زانکه در عالم فانی چه مهیا کردم

- رابعه اثیر (۱۹۱۳-۱۹۳۷) :

مرا از بهر غربت زادی و پروردی ای مادر      ازین دخت ستم پرور چرا دلسردی ای مادر  
برنگ و بوی تو یک گل درین گلشن نمیباشد      چو از گلین جدا گردیده گل ها، زردی ای مادر  
دلچون کوره ای می سوزد از آوارگی هایت      توهم چون من به غربت زادی و پروردی ای مادر  
غریب و بی کس و آواره گرد کوچه و کویم      که از میهن به خاک غیر روی آوردی ای مادر  
امید و آرزوی من در این عالم همین باشد      که با من عاقبت سوی وطن برگردی ای مادر

- شابی بی ناله (۱۹۴۷) :

هان، ای زن، ای ترانه و الهام زندگی      ای ابتدای گیتی و انجام زندگی  
ای مادرزمانه، ای دختر حوا      ای چلچراغ خانه، تو در شام زندگی  
بی تو جهان نبود، نباشد دوام او      ای تار و پود هستی و فرجام زندگی

- عایشه درانی (قرن ۱۲) :

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون مگر خورشید را کشته که دارد دامن پر خون

- بهار سعید (۱۹۵۳) :

ز عشق آتشین تو به سوز دیگرم امشب      به رویایی که می بینم که تابی بر سرم امشب  
چو قرص ماه آتشیاره افتی در برم امشب      به دستان تو می بخشم تن عصیانگرم امشب  
بیا در بسترم امشب  
برای حس گرمایت به حسرتگاه تنهائیم      به بستر بی تو می سوزم ، به آتشیاره بیجا  
چوشاخ عشق تر رونیده این حرص زیبایم      که داغ بوسه هایت کل زند بر پیکرم امشب  
بیا در بسترم امشب  
بروی شانه هایت ریز ، عطر تازه مویم      به دور گردنت پیچد دو دستم تا به بازویم  
به تنگ سینه ات بفشار جسم داغ و خوشبویم      ز شعرم بهر آغوش خودم عریان ترم امشب  
بیا در بسترم امشب  
فرار از خود نمایم در بر و دوش تو میگردم ز هر سو در تو می پیچم، عسل نوش تو میگردم  
به شور و شوق و سرمستی هم آغوش تو میگردم      دوتا پیکر یکی گردد، ترا در خود برم امشب  
بیا در بسترم امشب

دیروز پروگرام اختصاصی برای زن را در تلویزیون آریانا افغانستان به کارگردانی محترمه خانم مهریه عباسی تماشا می کردم. خانم های افغان در تلفون سوال می کردند که روز جهانی زن در کدام زمان در افغانستان برای بار نخست تجلیل شده است؟ متأسفانه روشنی درست انداخته نشد و جواب درست ارائه نگردید که من ناگزیرم برای روشن شدن اذهان زنان و مردان افغان و بینندگان این تلویزیون پاسخ لازم ارائه نمایم. روز جهانی زن برای اولین بار در وقت زعامت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بابای ملت و صدارت مرحوم شهید محمد داوود خان در سال های ۱۹۵۳-۱۹۵۴ در کشور عزیز ما افغانستان تجلیل گردید. مانند (روز تجلیل از معلم)، (روز تجلیل از دهقان)، (روز تجلیل از مادر)، (روز تجلیل از طفل)، (روز تجلیل از سره میاست)، (روز تجلیل از حقوق بشر)، (روز تجلیل از سازمان ملل متحد)، (روز تجلیل از گارگر)، (روز تجلیل از سپورت)، (روز تجلیل از بازی های المپیک)، (روز تجلیل از صنایع زریفه)، و ... و ... که همه در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و صدارت سردار محمد داوود خان برافه افتاده اند. صرف (تجلیل از روز استقلال) از زمان سلطنت اعلیحضرت امان الله غازی (۱۹۱۹) برگذار شده است.

برای تجلیل از هریک این روزها پروگرامهای خاص رادیویی و مقالات در رسانه های نوشتاری و چاپ تکت های پوستی برپا می شد و نمایندگان معلمین، دهاقین ، سپورتمین ها و کارگران به حضور پادشاه دعوت می شدند و ب دریافت تحایف و اعطای فرامین شاهی مفتخر می شدند، همچنین بهترین مادر سال و بهترین معلم سال و زحمتکش ترین شاگرد سال بحضور ملکه حمیرا ملکه افغانستان دعوت می شدند و با اعطای تحایف و جوایز مفتخر می شدند.

از طرف دیگر برای تجلیل از هریکی از این روزها در لیسه ها و مکاتب دختران و پسران محافل و کنفرانس ها دایر می شد و بیانیه ها ایراد می شد و شعرها خوانده می شد.

امید وارم قلم بدستانی که به سن و سال من استند قلم بردارند و خاطره های شان را از آن دوران طلائی بنویسند و ثبت تاریخش سازند.

پایان